

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

نیکولای باندارنکو * (Nikolay BONDARENKO)

برگردان از: ا. م. شیری

۲۴ مارچ ۲۰۲۲

اوکراین به مثابه نماد دنیای غرب



من درست در هنگامه‌ای می‌نویسم که هنوز در اوکراین شلیک می‌کنند و به هیچ چیز دیگری جز به آن نمی‌اندیشم. بستگان از خارکف زنگ می‌زنند و آنچنان لعن و نفرین هوس‌بازانه علیه روس‌ها به کار می‌برند که کلام از بیان آن عاجز است. انگار این ما، بستگان خونی آن‌ها بودیم، که این درگیری خونین را سازماندهی کردیم. توضیحات و دلایل ناشنیده گرفته می‌شوند و کسی به حرف گوش نمی‌دهد. سخن گفتن بی‌فایده است و قلب طاقت نمی‌آورد.

با داشتن ذهنی عادی، کاملاً غیرممکن است که بفهمیم چگونه اوکراینی‌ها پس از قرن‌ها تاریخ مشترک با روس‌ها، ناگهان در طی یکی دو دهه توانستند عاشق ایالات متحده آمریکا، به گفته یکی از انقلابیون، این منفور، این ابله تاریخی بسیار متکبر شوند؟ از این گذشته، هیچ یک از روس‌ها اوکراینی‌ها را از روسیه بیرون نکردند، هیچ کس به آن‌ها نگفت: «از ما دور شوید، شما اروپا هستید و ما نه»!

چنین چیزی هرگز اتفاق نیفتاد! اما در خود اوکراین شعار «اوکراین اروپاست!»، به یک اصل دینی تبدیل شده است. کافیسست فقط موافق نباشید، حتی به خودشان هم رحم نمی‌کنند.

اما من به چیز دیگری می‌اندیشم: تمام اروپا یا با یک کمی اغماض، اوکراین است. یا همانطور که در بالا ذکرش رفت، اوکراین نمادی از جهان غرب است. با مطالعه اوکراین و اوکراینی‌ها، یعنی ما در حال مطالعه کل دنیای غرب هستیم. این آن‌ها، المانی‌ها، پولندی‌ها و دیگران، هستند که باید در آنجا دست‌افشان و پای‌کوبان بگویند: «ما اوکراین هستیم»! البته، این اغراق است، اما آیا اوکراین واقعاً آنقدر بزرگ است؟ من در تأیید آنچه در بالا گفته شد، دلایلی را بیان می‌کنم.

غرب نیز مانند اوکراین و اوکراینی‌ها، نمی‌خواهد روسیه را درک کند، حرفش را بشنود و گوش دهد. آیا این دوقلو بودن آن‌ها را نفی می‌کند؟ هر موضوعی که مطرح می‌شود، حتی در مواردی که روسیه از برخی منافع خود صرف‌نظر می‌کند، همچنان از سوی غرب و از طرف اوکراین نیز به شکل تحریف شده، به‌مثابه نیت بدخواهانه درک می‌شود. به‌عنوان مثال، ساخت خط لوله‌ گاز «نورد استریم-۲» را در نظر بگیرید. چه کسی قبل از همه به تمام دنیا جار کشید که این خط لوله‌ گاز یک تهدید اقتصادی روسیه علیه تمام اروپاست؟ اوکراین این کار را کرد و اروپا را به این تهدید متقاعد کرد. زیرا، اروپا از این لحاظ همان اوکراین است. ارزیابی آن‌ها از روسیه یکسان است.

استدلال دیگر. جامعه روسیه گاهی حتی از خودشیفتگی ملی اوکراینی‌ها خجالت می‌کشد. آیا روس‌ها خدمات کمتری به بشریت ارائه می‌دهند؟ از قرار معلوم، این اوکراینی‌ها نخستین انسان‌ها در این جهان بودند! البته، مزخرفات دیگری هم برای اثبات عظمت اوکراینی‌ها ذکر می‌شود. در حالی که روس‌ها از ناسیونالیسم اوکراین خشمگین هستند، اروپا با آرامش آن را می‌پذیرد. زیرا، غرب نیز یک ناسیونالیست پر توان است. فقط با این تفاوت که اروپا کمی خویشتن‌دارتر و متمدنانه‌تر از ملت بسیار جوان و هنوز بی‌ثبات اوکراین است که اکنون خود را حتی به‌عنوان ناجی کل اروپا از «وحشیگری» روسیه تصور می‌کند.

عشق و علاقه مفراط ایالات متحده آمریکا و به طور کلی غرب به اوکراین واقعاً یک پدیده کاملاً منحصر به فرد است. دلیل چنین عشق چیست و آیا اصلاً این عشق وجود دارد؟ اما نیازی نیست به دنبال ریشه‌های عشق غرب به اوکراین بگردیم. دلدادگی غرب به اوکراین، روی دیگر نفرت آن نسبت به روسیه است. فقط در مورد شدت این نفرت می‌توان صحبت کرد: چه کسی از روسیه بیشتر متنفر است؟ البته، اوکراین و غرب، دوقلو هستند.

تاریخ مشترک چند صد ساله روسیه و اوکراین نمونه‌های کافی از عشق و نفرت نسبت به یک دیگر را جمع‌آوری کرده است. اوکراین که به برکت روسیه به یک کشور تبدیل شده، هدف خود را تسویه حساب تاریخی با روسیه تعیین کرده است. این از قضا برای اروپا بسیار مفید است. زیرا، روسیه هیچ کسی را در تاریخ خود، مثلاً، سوئدی‌ها، المانی‌ها، فرانسوی‌ها، ترک‌ها، پولندیها، فنلاندی‌ها و ایتالیایی‌ها شکست نداده است! روسیه در طول جنگ جهانی دوم، تقریباً کل اروپای غربی را «آزاد» داد. بنابراین، همه آن‌ها دلایل کافی برای «دوست داشتن» اوکراین و همبستگی با آن در جنگ علیه روسیه دارند. اوکراین اروپاست، اروپا اوکراین است! اوکراینی‌ها بیهوده نگران این موضوع بودند: شما اروپائی هستید، صد در صد اروپائی!

و گمان می‌رفت، فقط یک چیز - آن هم وجود باندرها و فاشیسم در اوکراین کاملاً غیرممکن باشد. تمام اروپا، با خاطره قربانیان جنگ جهانی دوم، مجبور است سرافراز باشد. اوکراین، تنها به دلیل فاشیسم، باید به یک منحوس اروپا تبدیل می‌شد. چرا تبدیل نشد؟

اروپا گفت و می‌گوید: «شما فاشیسم را در کجای اوکراین دیدید؟ هیچ فاشیسمی در آنجا نبود و نیست».

هیچ چیزی حجت‌انگیزی هم وجود ندارد. اروپا در این زمینه تجربه زیادی دارد. این اروپا بود که فاشیسم را در المان پرورش داد و گرامی داشت. در این باره اروپا هم مقصر است و هم تجربه دارد. چرا آن را در اوکراین تکرار نکند؟ ریشه‌های فاشیسم هم در اینجا و هم در آنجا مانده است. آن‌ها بهترین جوانه‌ها را در اوکراین زدند، اما به هر حال، اروپا همان اوکراین است با ریشه‌های فاشیستی که منتظر زمان خود است.

بنابراین، گذشته از هر چیز، شعار «اروپا اوکراین است» را نمی‌توان ساختگی تلقی کرد. تمام نگرش منفی نسبت به روسیه که در اوکراین هست، در غرب نیز هست. کشورهای غربی خودشان آماده حمله به روسیه هستند، اما با وجود

یک اوکراین ساده لوح- دختر احمقی که به عشق غرب به خودش باور دارد و خود را مدافع کل جهان غرب تصور می‌کند، اروپا چرا باید خطر کند؟

غرب ظالم و متکبر است و می‌داند که اوکراین، به احتمال زیاد، یا در آتش جنگ خواهد سوخت و یا تا سطح یک امیرنشین باستانی روسیه تضعیف خواهد گشت. از این اتفاق چه ضرر یا فاجعه‌ای متوجه اروپا خواهد شد؟ هیچ. اروپا قرن‌ها بدون اوکراین به حیات خود ادامه داده است- قرن‌ها! ممکن است اوکراین نابود شود، اما اروپا، تا زمانی که جنگ هسته‌ای رخ ندهد، نابود نخواهد شد. و از این نظر، اروپا، البته، اوکراین نیست. فقط خود اوکراین این را نمی‌فهمد.

آینده آن فقط با روسیه مرتبط است. آیا بدون روسیه زنده خواهد ماند؟ این بعید است، همانطور که یکی از قهرمانان فلم گفت... فقط آن که به روس‌ها، به روسیه تکیه می‌کند، مثلاً بلاروس، نجات می‌یابد. آیا خود اروپای پیر در صورت ادامه رویارویی با روس‌ها نجات خواهد یافت؟

اما روسیه نجات خواهد یافت. ما یک ملت همیشه جوان هستیم. ما هیچ وقت آنقدر قوی نیستیم که هنگام مواجهه با یک تهدید مرگبار هستیم. اما در این موضوع، نظر اوکراین و اروپا یکسان است- آن‌ها نمی‌فهمند.

*- سردبیر روزنامه کمونیست‌های استاوروپل «رودینا» (وطن)، عضو شورای مرکزی انجمن دانشمندان روسیه با گرایش سوسیالیستی، صدر شعبه منطقه‌ای آن

ا. م. شیرینی

۳ فروردین- حمل ۱۴۰۱

منبع:

<https://www.sovross.ru/articles/2243/56339>